

اسکندرنامه نقالی و جایگاه آن در

داستانهای عامیانه*

علیرضا ذکاوتی قراگزلو**

تا یکی دو نسل پیش از این، که وسایل ارتباط جمعی اوقات فراغت مردم را پر نکرده بود، قصه گفتن و قصه شنیدن یکی از سرگرمیهای اصلی بود. قصه گوی حرفهای یا تقال معمولاً در قهوه‌خانه‌ها داستان مسلسلی را حکایت می‌کرد و در جای حساس آن را ناتمام می‌گذاشت و شنونده را در حال تعلیق نگه می‌داشت تا فردا شب بیاید و بقیه داستان را بشنود. در عصر صفوی چه در ایران و چه در هند این حرفه گسترش داشت چنانکه در تذکره‌ها بدان اشاره شده است.

در میان قصه‌ها، نوع پهلوانی آن البته توأم با چاشنی حکایات عاشقانه و ماجراهای عیاری و پندارهای جادویی از همه بیشتر خواستار داشت و در چهار قرن اخیر مفصل‌تر و پر تنوع‌ترین این قصه‌ها، اسکندرنامه تحریر نقالی است. البته اسکندرنامه از دیر باز شنونده داشته و گذشته از روایتهای منظوم، یک روایت به نثر کهن از قرن ششم دارد و نیز بخشی از دازاب نامه طرسوسی در واقع اسکندرنامه است. تألیف اسکندرنامه تحریر نقالی را به «منوچهر خان حکیم» منسوب می‌دارند که برای بنده مشخص نیست چه کسی بوده، چه بسا این کلمه صورت تحریف شده «منوچهر شصت کله» از نخستین راویان این داستان بوده باشد، البته شخص اخیر وجود داشته و در قرن ششم می‌زیسته و در راحة الصدور راوندی (ص ۵۷) از او نام برده شده است.^۱ در هر حال قدیم‌ترین

* این اثر در دست تصحیح و تحقیق توسط آقای ذکاوتی است و میراث مکتوب سال آینده آن را منتشر خواهد کرد.
** بزوهنگر و مصحح متون.

نسخه‌ای که از تحریر نقالی اسکندرنامه است تاریخ ۱۱۰۶ ه. ق را دارد^۲ و نسخه‌های چاپی (سنگی و حروفی) و خطی با هم کما بیش متفاوت است و اینجانب امیدوارم بتوانم یک نسخه پیراسته بر اساس تصویر سه نسخه کهن که در اختیار است از این کتاب فراهم آورم تا ارزشهای ادبی و پژوهشی این کتاب روشن گردد.

ظهور اسکندر و بر افتادن هخامنشیان، سپس پیدایش ملوک الطوایفی بعد از اسکندر، از مهم‌ترین حوادث دورانساز است که بر ایران و خاورمیانه گذشته و طبیعی است که از همان روزگار اسکندر چهره‌ای فراتر از انسان عادی یافته است. تأثیرات شخصیت اسکندر در ذهنیت عامه از گجسته [= ملعون] تا قدیس و پیامبر گونه (یا دستکم مبشر پیغمبر آخر الزمان و شمشیر زن در راه توحید) نوسان دارد و شکل اخیر آن مطابق روحیه عصر صفوی است که در اسکندر نامه نقالی بازتاب یافته و به قولی چهره شاه عباس اول در آن منعکس شده است^۳ چنانکه در همان دوران قصه حسین گرد نیز رنگ مذهبی دارد.

به اسکندر باز گردیم. ایرانیان که از شکست به دست مقدونیان (که در آن موقع از رعایای دور دست هخامنشیان بودند) چنان یکه خوردند که نخست باور نمی‌داشتند و سپس برای آنکه مطلب را برای خود پذیرفتنی سازند اسکندر را پسر دارا انگاشتند، یعنی گفتند اسکندر هم ایرانی بود که ایرانیان را شکست داد بدینگونه «قصه سکندر و دارا» از سوگنامه شکست به حماسه پیروزی تبدیل شد. گرچه در این میان کسانی حتی منکر وجود اسکندر و یا کارهای اسکندر شدند و بعضی پژوهشگران به دو اسکندر (یکی مقدونی و یکی مغانی) قائل گردیدند^۴

در هر حال تحریر اخیر اسکندرنامه که همین اسکندر نامه نقالی است رنگ دینی هم یافت و اسکندر را همان ذوالقرنین مذکور در قرآن پنداشتند که بعد از حضرت عیسی (ع) و پیش از حضرت محمد (ص) زندگی می‌کند حال آنکه اسکندر مقدونی تاریخی بیش از چهار قرن مقدم بر زمان مسیح می‌زیسته است. اسکندر نامه نقالی بجز کلمه اسکندر (و ارسطو و افلاطون و جالینوس و بطلمیوس) مبنای تاریخی ندارد، اما به لحاظ تاریخ اجتماعی گویای حقایقی از گذشته ما هست.

از لحاظ اخلاقی نیز همچنانکه محققان (دکتر محبوب و دکتر پرهام) اشاره کرده‌اند اسکندر نامه نقالی نسبت به داستانهای عامیانه قدیم (مثلاً سمک عیار) نوعی انحطاط را نشان می‌دهد و این، علاوه بر آنکه نمایانگر سقوط تدریجی ارزشها بر اثر شکستهای

تاریخی متوالی است، به نحوی نیز نشانگر بیان صریح و صادقانه واقعیات اجتماعی عصر قصه پرداز از زبان خواجه بود. اسکندر هر چه به دهانش می‌آید می‌گوید و نسیم عیار همه را تیغ می‌زند و رحم و مروت و عهد نگهداری و امانت کمیاب است، این همان اوضاع اواخر صفویه است که در رستم التواریخ نیز بیان شده و شکست مفتضحانه دولت مرکزی از شورشیان یک ایالت یاغی و سقوط صفویه پوچی آن بنای پر زرق و برق را نشان داد.

دیگر از خصوصیات اسکندرنامه پیدایش انگیزه دینی در اعمال قهرمانان و کلاً حرکت قصه است. این خود از دلالتی واقعی خالی نیست چرا که در عالم واقع گذشته تاریخی بسیار حوادث بر اثر انگیزه‌های دینی رخ داده، و داستانهایی که این جهت را ندارند به نوعی دچار کمبود و نارسایی هستند.

به گمان من اسکندرنامه تحریر تقالی نوعی تکامل در فن داستان پردازی را در سرزمین ما رقم می‌زند چنانکه قهرمانان قصه را گاه می‌توان با ولگرد ماجراجو و همه فن حریف داستانهای پیکارسک اواخر قرون وسطای اروپا مقایسه کرد و نیز می‌توان مجموعاً اسکندرنامه تحریر تقالی را نوعی هجویه داستانهای پهلوانی قدیم انگاشت (شبیبه دن کیشوت).

قهرمان داستان اسکندرنامه هنوز جمعی می‌اندیشد امادر آستانه انتقال به فردیت است، چنانکه در مرحله بعدی قهرمان داستان عامیانه (همچون امیر ارسلان و ملوک بهمن...) دیگر آرمانهای حماسی ندارد، بلکه با یک شور رمانتیک فقط در صدد حل مسأله شخصی خودش است، این انعکاس نوعی تحول اجتماعی است و ورود به عصر جدید را رقم می‌زند، همچنانکه نثر اسکندر نامه تقالی را نیز می‌توان مرحله انتقال از نثر منشیانه به نثر ساده داستانی در آستانه مشروطیت به حساب آورد، مثلاً به گمان من میرزا حبیب دستار اصفهانی (مترجم حاجی بابا و ژیل بلاس) خیلی تحت تأثیر نثر تقالی بوده است.

از لحاظ محتوی و ساختار، اسکندرنامه تقالی را می‌توان پیشدرآمد رمانهای تاریخی جدید هم انگاشت، چنانکه در توصیفات شمس و طغرا محمد باقر میرزا خسروی شباهت بسیاری با اسکندر نامه تقالی می‌بینیم. قدرت توصیف، گیرایی حوادث، شیرینی ضرب المثلهای و تعبیرات، وسعت دایره واژگان از خصوصیات این کتاب است و چنانچه چاپ مصحح و پیراسته‌ای بر اساس

نسخ کهن صورت گیرد یک متن ارزنده به زبان فارسی افزوده خواهد شد. مرحوم بهار در سبک‌شناسی^۵ «برای لذت بردن و چیز فهمیدن بهتر از کتب فاضلانهای است که در این عهد [صفوی] نوشته شده...» و دو قطعه برای نمونه نقل کرده است.

داد و ستدی که بین نثر ادبی و نثر عامیانه صورت می‌گرفته در این کتاب به کاملترین صورت تجلی یافته است، زیرا راه یافتن کلمات و عبارات پر خون و زنده و معنی‌دار عامه دریافت کلیشه‌ای و قالبی نوشته‌های منشیان به تدریج به بعضی کلمات عامیانه شناسنامه ادبی اعطا می‌نموده و ادبیات را از سرچشمه جوشان زندگی واقعی طبقات و اقشار شهری برخوردار می‌نموده است.

از سه نسخه قدیمی موجود، نسخه کامل مجلس (مورخه ۱۲۶۴ ه.ق) بسیار مفصل است و اشکال عمده‌ای که دارد افزایش بخشهایی است به کتاب، توسط فرزند کاتب اصلی، که از ارزش و اصالت آن می‌کاهد. نسخه دیگر مجلس (که نوشته‌اند تاریخ ۱۱۰۶ ه.ق را دارد) به قرائتی تازه‌تر به نظر می‌رسد که نمونه مسلّمی از نثر آغاز سده سیزدهم هجری می‌باشد بلکه مشخصات سبک شناختی آن زمان قدیم‌تری را نشان می‌دهد، و با آنکه در واقع برشی از اسکندرنامه نقالی (بخش ترکستان و بعد از آن) است اما فضای کلی کتاب را می‌نمایاند چنانکه هم حوادث جنگی دارد، هم داستانهای عشقی؛ هم ماجراهای عیاری و هم عجایب جادویی و دنیای دیوان و پریان. بدینگونه به تعبیر عبدالنبی فخرالزمانه در طراز الاخبار جامع انواع قصه‌های عامیانه خواهد بود، مضاف بر آنکه چون تاریخ نسخه مورد اطمینان است استخراج واژه‌ها و تعبیرات و خصوصیات سبک‌شناختی آن سندیت بیشتری خواهد داشت.

پی‌نوشتها

- ۱- لغت نامه دهخدا و نیزک؛ اسکندر و ادبیات ایران، دکتر سیدحسن صفوی، (امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۳- ۷۲).
- ۲- فهرست منزوی ۳۶۵۶/۵.
- ۳- نورالدین مدرسی چهاردهی.
- ۴- ر.ک: کارنامه به دروغ پوران فرحزاد.
- ۵- سبک‌شناسی؛ جلد ۳ ص ۲۶۰.